

جهان؛ خارج از مرزها



صبح روز یکشنبه ۱۷ بهمن ماه سرخط خبرهای روزنامه‌های فرانسوی، حمله مرد مصری به موزه لوور پاریس است. «فرمان ضد مهاجرتی ترامپ موجب شوک ورزشکاران شد.» «ششادم (پنه لویه فیون) یک هفته پس از رسوایی» و «ورود تروریست لوور از دبی به فرانسه» خبرهای دیگر روزنامه لوومند است.

مردم در خیابان های بخارست برای اعتراض به دولت رومانی جمع شدند و حالا «بزور» در صبح یک‌شنبه خبر می‌دهد: «مقب‌نشنی دولت رومانی در مقابل اعتراضات خیابانی در بخارست.» در ادامه بحران‌های سیاسی و اقتصادی انگلیس هم این روزنامه از تغییر این سیاست‌ها برای حل بحران مسکن و اجاره می‌گوید.



اوضاع ترامپ و روسیه خوب است؛ این را رسانه‌های رسمی روسیه خبر می‌دهند و حتی از جانبداری ترامپ از پوتین می‌نویسند.روزنامه «ماسکوفسکی کامسولتس» درباره این موضوع نوشته است: «رابط‌نظر به‌خبرنگار فاکس‌نیوز که پوتین را قاتل خواند، رد کرد.» خبر دیگر این‌روزنامه هم درباره اختلاف‌های روسیه و بلاروس است.

در همین حوالی



علی اکبر قاضی زاده

۱۱۰ سال پس از تصویب اولین قانون مطبوعات

شفافیت را باز گردانیم

وقتی اولین قانون مطبوعات ایران در مجلس شورای ملی تصویب شد، روزنامه‌های آن دوران پرچم عزّا برافراشتند و از تحدید شدن گفتند. حتی روزنامه «مسالوات» به سردبیری شدن مسالوات، یک ویژه‌نامه هشت صفحه‌ای برای این اتفاق منتشر کرد و در هشت صفحه سر تاسر دشنام و توهین را روانه مجلس و نمایندگان کرد. واقعیت این است که در آن دوران، روزنامه‌های ایران هیچ جد و مرز لفظی برای خود نداشتند و همه را از خود می‌رانند. «حبال‌المتبس» و «صوراسرافیل» و… هم‌زمان هم به شاه دشنام می‌دادند، هم مجلسیون، هم زمین‌داران و اشراف و هم حتی نظامیان. هیچ دوست و آشنایی برای خود باقی نگذاشته بودند و واقع فضای آزاد شده توسط سرطله را فضایی بی‌حد و حصر می‌دانستند و همین شد که اکثریت جامعه قدرتمند ایران در اولین ماهنگ، نخستین قانون مطبوعات را تصویب کرد و تا مطبوعات، قانونی کنترل شود، رفتار روزنامه‌نگارها و حکومتی‌ها در دوره‌های بعدی هم همین بود؛ بعد از آمدن رضاشاه، فرار رضاشاه، ملی شدن صنعت نفت و… در هر دوره‌ای که اندکی اسمی از آزادی و تغییر آمد، روزنامه‌نگاران دچار اشتباه تاریخی بزرگی شدند. آنها بدون در نظر گرفتن جامعه‌سنجی ایران و دست‌های پیدا و پنهان، از هر فرصتی برای قدم‌های بی‌پروا ناگهانی استفاده کردند و همین شد که از هفت یا هشت قانون مطبوعاتی که ما داریم و در مجلس به تصویب رسیده، اکثریت این قوانین همچنان با استخوان‌بندی همان قانون اولیه و با روحی محدودکننده تصویب شدند. تنها در دوره‌ای کوتاه و در سال ۱۳۳۰ و نخست‌وزیری مصدق، قانون مطبوعات تصویب شده اندکی به نفع روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها بود. اما بعد از این همه سال و با گذشت این همه اتفاق، اهالی مجلس، دولتمردان و حکومت‌داران باید بدانند که با کنترل رسانه‌های رسمی برای رسیدن به توسعه یا مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شویم. هر چقدر که فضای جامعه شفاف‌تر، روشن‌تر و با اطلاعات ترازنده باشد، راه‌های جلوگیری از فساد، کجروی و سوءاستفاده بسته می‌شود. در واقع باید بعد از این همه سال، تصویب قوانین مختلف، روح محدودکننده قانون مطبوعات اول را بری جامعه و دورانی که بسیار بسیار تغییر کرده، حذف کنیم و امکانی برای شفاف‌تر شدن محیط فراهم بیآوریم.

چوب الف

دبیا دودی

سیاه سیاه، سفید سفید

داشتن آگاهی از وضعیت کتاب و کتابخوانی در دیگر کشورها اتفاق

بیهوده‌ای نیست اگر به آن به دیده اطلاعات صرف نگاه نشود. فرضا اینکه می‌دانیم سرانه مطالعه در زاپسن از چین بیشتر است و طی پنج سال گذشته معمولا بیش از ۳۰ دقیقه اعلام شده است، می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در جهت داشتن انگیزه برای بررسی چرابی این برتری باشد. برای مثال یکی از کشورهای اروپایی که در سال‌های بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نمونه‌ای مناسب برای مقایسه با کشورهای همسایه خود بود نروژ است. کشوری با وضعیت مطالعه نه چندان بد که البته در نمریات داخلی نروژ، آندرها هم در خشان مطرح نمی‌شود.

از جمعیت آمار۱ تا ۹ سال کتابخوان نروژ در سال ۲۰۱۵ در صد هر روز کتاب غیردرسی می‌خوانند. این عدد نسبت به سال ۲۰۱۴ در صد کاهش داشته است. اما جالب است بدانیم در بررسی‌های انجام شده علت این کاهش رغبت به مطالعه را گذران وقت در اینترنت یا مطالعه کتاب الکترونیک نمی‌دانند. در گذر ماه‌های سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ گرفتن جامعه‌سنجی ایران و دست‌های پیدا و پنهان، از هر فرصتی برای قدم‌های بی‌پروا ناگهانی استفاده کردند و همین شد که از هفت یا هشت قانون مطبوعاتی که ما داریم و در مجلس به تصویب رسیده، اکثریت این قوانین همچنان با استخوان‌بندی همان قانون اولیه و با روحی محدودکننده تصویب شدند. تنها در دوره‌ای کوتاه و در سال ۱۳۳۰ و نخست‌وزیری مصدق، قانون مطبوعات تصویب شده اندکی به نفع روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها بود. اما بعد از این همه سال و با گذشت این همه اتفاق، اهالی مجلس، دولتمردان و حکومت‌داران باید بدانند که با کنترل رسانه‌های رسمی برای رسیدن به توسعه یا مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شویم. هر چقدر که فضای جامعه شفاف‌تر، روشن‌تر و با اطلاعات ترازنده باشد، راه‌های جلوگیری از فساد، کجروی و سوءاستفاده بسته می‌شود. در واقع باید بعد از این همه سال، تصویب قوانین مختلف، روح محدودکننده قانون مطبوعات اول را بری جامعه و دورانی که بسیار بسیار تغییر کرده، حذف کنیم و امکانی برای شفاف‌تر شدن محیط فراهم بیآوریم.



Life's Good

هاریه نوری ال جی




تا ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تخفیف

به قیید قرعه

دستگاه تخفیف (ریال)	دستگاه تخفیف (ریال)	مدل معمول	سایه پای سایه
۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۴,۰۰۰,۰۰۰	مدل معمول	سایه پای سایه
۸۴,۰۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	مدل معمول	سایه پای سایه
۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	مدل معمول	سایه پای سایه
۴۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۳,۰۰۰,۰۰۰	مدل معمول	سایه پای سایه
۳۴,۰۰۰,۰۰۰	۱,۵۰۰,۰۰۰	مدل معمول	سایه پای سایه
۲۴,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	مدل معمول	سایه پای سایه

قرعه ششروزه نوری از نو تا ال جی

در این جشنواره حداقل دو دستگاه تخفیف بر اساس جدول جشنواره در نظر گرفته شده است. جهت دریافت این تخفیف، لازم است کارت هدیه یی خود را از فروشگاه دریافت و محصول خود را از طریق شرکت مشتریان گذرانید. بعد کند. پس از نصب، همه مشتریان مشمول جدول تخفیف خواهند شد و حق قرعه کشی تا دستگاه تخفیف نیز به مشتریان برده خواهد بود. قرعه و سایر مشتریان نیز شانس تخفیف من من رقم حداقل و رقم حداکثر را خواهند داشت. نکته این که در تخفیف تا در نظر هدیه یی مشتریان قرار خواهد شد (برای اطلاعات بیشتر در مورد نحوه شارژ کارت به وبسایت www.goldiran.ir مراجعه نمایید).

www.lg.com/ir

www.goldiran.ir

پیمان کوخاوند ۰۳۰۰۰۸۴۷۳۳۳

۲۱ - ۸۴۷۳۳۳ (ساعتی بدون تعطیلی)

مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی)

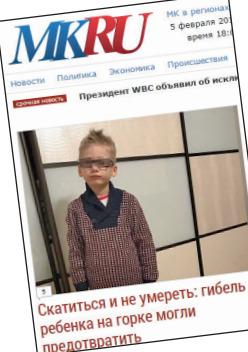










■ **صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:** ایلیاس حضرتی
■ **چاب‌نشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاستگذاری:** بهروز یغزادی
■ **سرمدبیر:** جواد دلبری
■ **معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
■ **مشاور مدیرمسئول:** محمد حضرتی
■ **رئیس سازمان آگهی‌ها:** علی حضرتی
■ **تثانی:** خیابان سرتارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
■ **تلفن‌خانه:** ۶۶۱۲۴۰۲۴-۶۶۱۲۴۰۲۱-تعمیر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ **توزیع:** نشر گستر امروز ■ **تلفن:** ۶۱۹۲۳۰۰۰
■ **چاپ:** نشر روزتاب ■ **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۶

■ **اذان ظهر:** ۱۲/۱۸ ■ **غروب آفتاب:** ۱۷/۳۷ ■ **اذان مغرب:** ۱۷/۵۶ ■ **اذان صبح فردا:** ۵/۲۴ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶/۵۹

در حاشیه، در متن

علی شکوهی

تاملی درباره انقلاب ۷

شاه تصمیم به رفتن از ایران را اتخاذ کرده بود. دوم-حاضران در کنفرانس گوادلوپ اساسا حامیان اصلی شاه در غرب بوده‌اند اما با توجه به همه گزارش‌هایی که از طریق سفرای خود دریافت کرده بودند و نیز با بررسی واقعیت سیاسی داخل ایران و خواست مردم و سازش‌ناپذیری رهبری ارتقا، قانع شدند که شاه را نمی‌توان حفظ کرد و بنابراین برای تأمین منافع درازمدت غرب در ایران و جلوگیری از نفوذ شوروی، به‌یونکارهای دیگر پناه آوردند.

سوم- موج اعتراض گسترده مردم علیه شاه و تلاش آنها برای سرنگونی رژیم پهلوی، حامیان شاه در غرب را دچار استیصال و سردرگمی کرده بود و بنابراین هیچ برنامه و راهکاری برای نجات شاه نداشتند و اساسا شتاب انقلاب، فرصت طراحی و اجرای هر راهکاری را از آنان می‌گرفت. عقب‌نشینی آنان از موضع حمایت از شاه، خواست قلبی آنان یا از سر اراادت به مخالفان شاه نبود ولی غربی‌ها ثابت کرده‌اند که نه دوست دایمی دارند و نه دشمن دایمی و فقط منافع دایمی دارند و بنابراین برای تأمین بقیه منافع خود در ایران، به اجبار تن به رفتن شاه هم می‌دادند که دادند.

چهارم- امام خمینی هرگز به راهکار امریکا برای تثبیت بختیار رضایت‌نساد و بدون هراس از احتمال کودتا در ایران که آن را ناممکن می‌دانست، بر تغییر سلطنت و تعیین نظام جدید برای ایران اصرار داشت. همان‌گونه که از جوابیه ایشان به کارتر بر می‌آید امام خمینی حتی لحظه‌ای دولت بختیار را قانونی ندانست و برای آن مشروعیت قابل نبود و طبعاً بعد از مقاومت بختیار در مقابل مردم و کشتاری که به حمایت از وی صورت گرفت، دیگر نمی‌توانست در ایران بماند و خود را دولت قانونی بنامد. این سخن به این معناست که امام خمینی هرگز قول و فراری یا بختیار نگذاشت که بخواهد به عهدش وفا کند.

نگاه آخر



سیدمحمد بهشتی

امریکا با منع ورود ایرانیان خود را از چه چیزی محروم می‌کند

گرچه هست اهل خرد را خطر از بی‌خردان/حدت خاطر دانا به خطر کم نشود

خدماتی و ازران امریکا را تأمین نمی‌کنند، هنر ایرانیان مثل حضورشان در جامعه امریکا، نه چندان مشهود ولی محسوس است؛ همچون آب، یعنی وقتی آشکامی می‌شود که دیگر همه جا را آغشته کرده است! ایرانیان به اتکالی هنر کمیگاری و تصرف جوهری، بنیه فسخ دل‌های بختیار میزبان را دارند، می‌دانند که چطور در هر مقام و موقعی محبت کنند و محبت ببینند و به این ترتیب برای خود سرمایه اجتماعی ایجاد کنند. آنان قادرند نه به همه چیز کیفیتی انسانی و معطر بخشند، اصلاً به قصد نفوذ به لایه‌های عمیق جامعه میزبان است که تعدداً افتراقات‌شان را پنهان می‌کنند. تحلیل رفتارهای مهاجران ایرانی در غرب در این چهار دهه روشنگر است؛ نسل اول مهاجرانی که ایران را در شرایط انقلاب و آشوب و دلخوری ترک کرده بود، در سرزمین جدید همچون جامعه‌ای متفرق بود که حتی در صورت لزوم، هویت خود را نیز کتمان می‌کرد؛ چرا که هم در محیط جدید نیاز وارد ناآشنا بود، و هم همچو رسانه‌ای به قدری شدید بود که احاد این جامعه باید منفردا به راه‌هایی برای حفظ موجودیت خود می‌اندیشید.

اما امروز نزدیک به چهاردهم دو نسل از آغاز مهاجرت ایرانیان به اروپای غربی و امریکای شمالی می‌گذرد و به تدریج آنان توانسته‌اند ریشه بدهند و در هر م‌های منزلی مدارج بالایی را کسب کنند. جالب آنکه به میزان اعاده اعتماد به نفس، به مناسبت‌های مختلفی برای یون‌شان خودآگاهانه پل‌فشاری کرده و آن را فخر خود می‌شمرند، حالا دیگر از جامعه میزبان توقع دارند که نه تنها آنان را غیر خودی تلقی نکند، بلکه به رسمیت بشناسد و محترم بداند. مهاجرت به غرب، نخستین موج مهاجرت ایرانیان به سرزمین‌های دیگر نیست؛ تاریخ نشان می‌دهد که هر گاه عرصه بر گروهی تنگ شده، آنان اقدام به مهاجرت به بهترین جای دنیا در زمانه خود کرده‌اند، ولی در هیچ یک از این امواج مهاجرت، سعی نکردند همچون

خار در چشم میزبان فرو روند، بلکه همچون نسیم معطر از لای سم‌های خاردار عبور کرده و اطراف خود را تا شعاع وسیعی معطر کرده‌اند. قهه‌ای هست که در دوره سلجوقی به علت برخی تعصبات، گروهی از زرتشتیان ایرانی سوار بر کشتی عزم هند کردند، حاکم گجرات وقتی از قصد آنان برای اقامت در بندر مدتر شد، برای آنان کاسه‌ای لبالاب از شیر فرستاد که هم بیان خیر مقدم باشد و هم تلویحاً بگوید که گجرات به‌قدر ظرفیتش مملو از جمعیت است و جای برای تازه‌واردان ندارد. سر گروه ایرانیان که هوشمندانه متوجه پیام حاکم شد، قدری شکر خواست و آن را در شیر حل کرده و باز پس فرستاد، با این پیام که ایرانیان در جامعه میزبان حل خواهند شد و نه تنها عرصه را بر قبیه‌تنگ نخواهند کرد که با حضورشان شیر شیرین‌تر خواهد شد، چه باور کنیم و چه انکار، تحفه و نقشی ایرانیان در جهان همین است؛ آنان در هر جایگاه و حرفه و عرصه‌ای، همچون سیمنا، که فرصت یافتند نقش خود را بکنند بی‌افا کنند، تحفه‌ای جهانی و غیر قابل قیمتی بوسی و کمیگران‌ه را بر مغایران آوردند. این همان کیفیت است که ایرانیان در صورت تلاوم حضورشان در جامعه میزبان، به تدریج به آنان خواهند بخشید و به‌عکس قهرشان کام‌جمعه میزبان را تلخ خواهد کرد!

بازخوانی خیر تازه رسیده

موزه ایران درودی هنوز کلید نخورده

اتفاق تکراری برای پروژه‌های فرهنگی

همان مشکل همیشگی صدور مجوز با شهرداری است و به جز این آرزوی چهل و هفت ساله خاتم‌نقاش درگیر دو مانع اساسی است و این‌طور توضیح داده شده: «کار کردن با شهرداری و طی شدن مراحل قرارداد با شهرداری برای ساختمان موزه زمان بیشتری نیاز دارد. یکی از دلایل دیگر این شرایط، ایجاد تغییر در نقشه ساختمان است، ما طبق طبعه را به نقشه اضافه کردیم و همین تغییر باعث شد، کار کردن روی طرح‌نهایی زمان بیشتری نیاز داشته باشد. همچنین دکتر درویش که طراحی نقشه ساختمان موزه بر عهده‌اوست، بین ایران و کشورهای دیگر در رفت‌وآمد است.» زمین موزه‌ای که قرار است به نام درودی باشد، توسط شهرداری فراهم شده و هزینه ساخت آن هم به عهده خود درودی است. اتفاقی که فعلاً تکلیفش روشن نیست و تا پیگیری‌های بعدی خبرنگاران احتمالاً در سکوت خبری، سرنوشته‌ر را رقم می‌زند.

در سال‌هایی که مسوولیت سازمان میراث را برعهده داشتیم و جورج بوش رییس‌جمهور امریکا بود، وقتی با استنادن و کار شناسان مراکز علمی و دانشگاهی امریکا ملاقاتی پیش می‌آمد، آنان غالباً به‌سبب اقبال و اقبال رییس‌جمهورشان ایراز شرم‌ساری و غرذخواستی می‌کردند. با رفتارهای اخیر دونالد ترامپ به گمانم حالا دیگر باید ما عرق شرم ایشان را پاک کنیم! این‌روزها که کوره اعتراض به اقدامات کودکانه و شروانه ترامپ داغ است، مدام به این فکر می‌کنم که امریکا با قانون منع ورود ایرانیان، از چه چیزی محروم شده است؛ مثلاً آیا از صنایع اوتومبیل‌سازی ما محروم خواهند شد، یا از نوآوری‌های مادر زمینه‌دانش پزشکی و مهندسی، آیا ما همچون هند و چین عمق استراتژیک صنعتی امریکاییم که با قطع روابط نگران کارخانجات‌شان باشد. البته کمابیش هیچ‌کدام!

در این موقعیت‌های بفرنج قهر آمیز، ناگهان به دستاویز‌هایی ملی و فرهنگی برای دفاع از خودمان می‌اندیشیم و پیش از هر چیز از مزیت‌های جهانی‌مان می‌پرسیم. تا پیش از این اگر علت موفقیت مهاجران ایرانی را از ایشان سوال می‌کردیم، عمدتاً دو پاسخ می‌شنیدیم؛ یکی فرصت‌هایی که محیط امریکا در اختیارشان گذاشته و دیگری توانایی‌های شخصی خودشان. در این میان کمتر کسی از مزیت‌هایی که فرهنگ ایرانی او با بخشیده‌بامی می‌کرد. در موقعیت‌هایی مثل امروز، هر کس، هر قدر هم که بزشک، تاجر و کارآفرین موفقی باشد، احساس می‌کند دستاوردهای شخصی، سلاح کوچکی برای نبرد با این جریان بزرگ است. در چنین بزنگاه‌هایی است که خود را بخشی از «کیستی» بزرگ‌تری می‌بینیم یعنی «ایران» یا «فرهنگ ایرانی» طبیعی است که از خود‌بپرسیم کدام برگ برنده ما هست که حضور محترم ما در جهان را تضمین کند.

درباره ایرانیان مقیم غرب، ظاهر امر نامیدکننده است؛ پنداری ایرانیان نه فقط تحفه‌ای چشمگیری برای امریکادارند، بلکه همچون دیگر اقلیت‌های مقیم امریکا، نظیر چینیان یا عرب‌ها یا ایتالیایی‌ها، تشکلی هم ایجاد نکرده‌اند. نه همچون آمریکان و یهودیان، هم یکیشان خود را به صورت ویژه حمایت می‌کنند و نه اساساً تاکیدی بر تمایزات خود دارند. آنان دوست ندارند در جامعه میزبان، بنا به افتراقات‌شان به جا آورده شوند. اگر به سرعت، آداب‌خانه جدید افرامی گیرند و قانون‌مدار می‌شوند، از آن‌روست که دل‌نشان نمی‌خواهد «غیر خودی» باشند؛ چرا که در صددند به فاصله چند نسل در سرزمین مقصد، به رأس هر م‌های منزلی صعود کنند و زمام امور را به دست گیرند، پس باید حتی‌الامکان در جامعه میزبان حل شوند.

همین رفتارهای جامعه مهاجر ایرانی، بسیاری از تحلیلگران اجتماعی را به واکنش واداشته و این را سیاه به‌نق‌زد آنان کرده و خودباختگی‌شان در مقابل فرهنگ میزبان نسبت می‌دهند. لیکن بی‌انصافی است اگر رفتارهای رندانه جامعه ایرانی را اینقدر شب‌بازده تحلیل کنیم، چرا که نفوذ ایرانیان کیفیت ویژه‌ای دارد؛ کیفیتی زمان‌بر ولی بسیار پایدار و جوهری. ایرانیان مثل چینیان با هنر تولید انبوه، بازارهای جهانی را قبضه نمی‌کنند، یا مثل اهل برخی از سرزمین‌ها، نیروی کار

مجله روز

کاروان



شماره یازده و دوازده دومهنامه «کاروان» همین نازگی‌ها روی کیوسک آمده است، دو ماهنامه‌ای فرهنگی که شماره تازه‌اش مخصوص آگاتا کریستی است و پرونده‌های مفصل و ویژه درباره این نویسنده بزرگ انگلیسی تدارک دیده شده. در این مجموعه زندگینامه خودنوشت کریستی با ترجمه‌هایی از خجسته کپهان، سیما سلطانی، مریم تقدیسی، گلبرگ برزین، آ زاده است، و… منتشر شده است. عکس‌هایی قدیمی از زندگی و مسافرت‌های این نویسنده هم در پرونده مربوط به او منتشر شده است. در بخش‌های دیگر «کاروان» مطالبی درباره ویرجینیا وولف، سیایش کسرابی و ملایتیا ماتزو کو منتشر شده است. «کاروان» در قطع جیبی ۲۱۶ صفحه و قیمت ۱۵ هزار تومان روی کیوسک است.